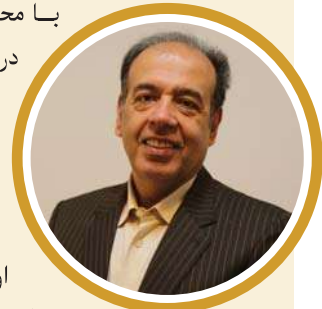


مسئولیت اجتماعی؛ وظیفه‌ای عمومی

با محسن جلال‌پور بازرگان کرمانی درباره مسئولیت اجتماعی گفت‌وگو کرده‌ایم. او که چه در کسوت تجارت و چه در برهه‌ای از زمان در کسوت ریاست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و کرمان در سفر به کشورهای مختلف جهان و مشارکت در جلسات و مذاکرات داخلی و خارجی و حتماً سیاحت با نگاه مردم‌شناسی به جوامعی که مراجعه کرده است شخصی دنیادیده تلقی می‌شود و از جهتی با توجه به عملکرد قابل‌توجه خود در حوزه مسئولیت اجتماعی، صاحب‌نظر.



او می‌گوید مسئولیت اجتماعی در مجموع یک وظیفه عمومی است و همه باید متوجه باشیم که این کار، خدمت بی‌منت است. هر شخص از هر آنچه که در جامعه تولید می‌شود، تأثیر می‌پذیرد و از آن استفاده می‌کند، پس بایستی در قبال آن آورده‌ای داشته باشد. وی معتقد است که تصمیم‌گیر، سیاست‌گذار و حاکمیت است که تأثیر مستقیم و بااهمیتی روی اخلاقیات جامعه دارد. در جوامعی که از حاکمان توانمند و سالم برخوردارند، اخلاق اجتماعی به شدت رعایت شده و هر ضد اخلاقی محکوم می‌شود. این جوامع موفق و پیشرفته هستند.

او همچنین یادآور می‌شود که عمل به مسئولیت اجتماعی صرف هزینه کردن پول نیست. همه می‌توانند با به‌کارگیری و صرف بخشی از داشته‌ها و توانمندی‌های خود در خدمت‌رسانی به مردم در عمل به مسئولیت اجتماعی بکوشند. جلال‌پور بر باور است که در موضوع مسئولیت بین نسلی جامعه، ما هیچ حرفی بجز شرمندگی برای گفتن نداریم؛ زیرا جامعه این دوره در زمینه امانت‌داری از داشته‌های نسل گذشته و انتقال آن به نسل آینده یک جامعه بد است. او امیدوار است که تا پایان سال کل امکانات بیمارستان پیوند اعضا که اخیراً افتتاح گردیده است در سه بخش پیوند کبد، کلیه و مغز استخوان تأمین شود و در آینده ساخت بخش‌های پیوند قلب و ریه را که پیش‌نیازهایشان برآورد شده است، انجام دهند تا بزرگ‌ترین بیمارستان پیوند اعضا را در کرمان داشته باشیم.

◀ مسئولیت اجتماعی و انتظاراتی که از تعریف آن بر می‌آید،

چه هستند؟

مسئولیت اجتماعی بخشی از فعالیت‌ها و وظایفی است که هر فرد و بنگاه اقتصادی در قبال اجتماع بر عهده دارد. اگر مسائل جامعه را مانند شرایط یک محیط کوچک‌تر مانند خانه یا بنگاه در نظر بگیریم، هر یک از افراد این بنگاه یا خانه غیر از وظایف اصلی‌شان، وظایفی دیگری نیز در قبال دیگران و سایر کسانی که در آن خانه،

بنگاه یا اجتماع زندگی می‌کنند بر عهده دارند. این موضوع بسیار مهم و بامعناست و همه بایستی نسبت به دیگران و نسبت به آنچه که از جامعه و از اطرافیان تأثیر می‌پذیرند مسئولیت‌پذیر باشند. به عنوان مثال، ممکن است شما در خانواده‌ای زندگی کنید که وظیفه اصلی‌تان به عنوان یک دانش‌آموز درس خواندن است، یا به عنوان پدر خانواده مسئولیت نان‌آوری و تأمین معاش را بر عهده دارید، اما در کنار این مسئولیت‌ها، این احساس

من و دیگران نیز منتفع می‌شویم؛ یعنی نتیجه این‌گونه اقدامات زنجیروار به هم متصل است تا به خود آدمی برگردد. مثلاً یک جامعه صد نفری را در نظر بگیرید، یک شخص یک صدم جامعه را شامل می‌شود، وقتی کاری را برای این جامعه انجام دهد به اندازه یک درصد منتفع شده و وقتی ۹۹ نفر دیگر هم مسئولیتشان را انجام دهند در نهایت صد درصد فواید اقداماتی که در جامعه انجام شده به ما برمی‌گردد؛ بنابراین اگر مسئولیت اجتماعی در یک جامعه به معنا برسد و نهادینه شود، انجام آن جای دوری نمی‌رود و در نهایت به صورت کامل و یا حتی بهتر از آن به خودمان باز می‌گردد زیرا ممکن است برخی افراد توانایی بیشتری داشته باشند و کاری را که انجام می‌دهند به مراتب بزرگ‌تر از توان ما و آن یک درصدی باشد که ما برای جامعه گذاشته‌ایم.

بنابراین مسئولیت اجتماعی در مجموع یک وظیفه عمومی است و همه ما باید متوجه باشیم که این کار خدمت بی‌منت است نه این‌که اگر کاری برای جامعه انجام می‌دهیم منتی در آن باشد، بلکه جزو وظایف ماست و هر کس به نوبه خود باید وظیفه‌اش را انجام دهد، آنکه کار و تخصصش در مدرسه و دانشگاه است کار علمی، آنکه در فضای آموزشی، پژوهشی، اقتصادی و فرهنگی فعالیت می‌کند در مسائل مربوط به همین زمینه و همه در راستای وظیفه خودشان مسئولیت اجتماعی را باید انجام دهند. شاید یک مثال قضیه را روشن‌تر کند؛ مثلاً چه تعداد از افراد جامعه از آثار استاد شجریان تأثیر پذیرفته‌اند و بهره برده‌اند؟ چند افطار از ربنای استاد بهره بردیم؟ پس

را نیز دارید که اگر خلائی یا مشکلی در خانواده ایجاد شد بایستی شما نیز در رفع آن بکوشید و در آن موقعیت وظیفه شما فقط درس خواندن و مدرسه رفتن نیست. فرض کنید در این خانه کمبودی در زمینه منابع و امکانات وجود داشت باشد یا اتفاق پیش‌بینی نشده‌ای رقم بخورد، آن وقت شما حتماً احساس می‌کنید باید گوشه‌ای از کار را بگیرید چون عضو این خانه هستید. در جامعه هم به همین ترتیب است، ما از فضای جامعه، امکانات جامعه و از هر آنچه که در جامعه توسط مردم و حاکمیت وجود دارد برخوردار می‌شویم، پس باید به غیر مسئولیت اصلی خودمان، در قبال جامعه نیز مسئولیت داشته باشیم. شما در یک فضای اجتماعی از ظرفیتهایی برخوردار هستید که خودتان تأثیری در ایجاد آن نداشته‌اید، مانند ظرفیتهای خدادادی، ظرفیتهایی که توسط سایر مردم پدید آمده و یا ظرفیتهایی که حاکمیت به وجود آورده است، حال اگر بخواهیم عادلانه عمل کنیم باید برای جبران استفاده از این ظرفیتهای، اقدامی انجام دهیم که این مهم می‌تواند به صورت مسئولیت اجتماعی باشد. پس باید در این زمینه احساس مسئولیت داشته باشیم و اگر همه افراد جامعه از این الگو پیروی کنند طبعاً این جریان به سمت‌وسوی بهتری پیش می‌رود.

◀ آیا مسئولیت اجتماعی کاری برای دیگران است؟

خیر؛ مسئولیت اجتماعی فرآیندی است که در طی آن اگر من کاری برای جامعه انجام دهم ضمن این‌که دیگران از آن استفاده می‌کنند، خود من هم از فواید آن تأثیر می‌پذیرم و بهره می‌برم، همان‌گونه که اگر شخص دیگری کاری برای جامعه انجام دهد

امروز در جامعه ما

شرایطی وجود دارد

که اگر کسی بخواهد

اخلاقیات را رعایت کند

در بسیاری موارد حتی

امکان زندگی ندارد.

متأسفانه آن قدر فضای

جامعه آلوده شده و

فساد همه‌جا را فرا

گرفته است که شرایط

زندگی برای مردم

سخت شده و حتی

اخلاق مدارترین افراد

هم نمی‌توانند آن‌گونه

که باید اصول اخلاقی را

رعایت کنند.

این فعالیتی است که اکثر جامعه از آن بهره برده‌اند چه در شور و شادی چه در زمان سوگ. این مثال را به این دلیل گفتم که بدانیم مسئولیت اجتماعی فقط در بخش اقتصادی مطرح نیست، شما از هر آنچه که در جامعه تولید می‌شود تأثیر می‌پذیرید و از آن استفاده می‌کنید و بایستی در قبال آن آورده‌ای برای جامعه داشته باشید.

◀ به نظر شما آیا می‌توان اخلاقیات در جامعه را مدیریت کرد؟

من در این ۴۰ سالی که فعالیت اجتماعی و اقتصادی داشته‌ام همیشه جمله معروف «الناس علی دین ملوکهم» را تکرار کرده‌ام. جامعه، اخلاق را از ولایتمداران، حکومت داران و مجموعه حاکمان می‌گیرد، اگر در رأس جامعه حکومتی باشد که به اخلاق اهمیت دهد، به طور مسلم افراد جامعه هم این اخلاق را تکثیر می‌کنند. هرچند از نظر من، شیوع اخلاق حسنه در هر جامعه‌ای باید هم از بالا به پایین و هم از پایین به بالا پرننگ باشد و با همه امکان و ظرفیت به آن اهمیت داده شود، اما در هر صورت تصمیم‌گیر، سیاست‌گذار و حاکمیت است که تأثیر بسیار سنگین، مستقیم و با اهمیتی روی اخلاقیات دارد. وقتی جامعه حاکمانی داشته باشد که در سیاست‌هایشان کشور را به سمت رفاه و پیشرفت پیش ببرند به طور حتم اخلاق در آن جامعه بسیار پرننگ‌تر و روان‌تر جاری خواهد شد، اما متأسفانه اگر در جامعه‌ای همانند جامعه امروز ما کوچک‌ترین پیشرفت، موفقیت و امکانی وجود نداشته باشد و مردم هر روز گرفتارتر، درگیرتر، بی‌پناه و مستمندتر باشند به طور مسلم اخلاق، خودش را گم می‌کند.

امروز در جامعه ما شرایطی وجود دارد که اگر کسی بخواهد اخلاقیات را رعایت کند در بسیاری موارد حتی امکان زندگی ندارد. متأسفانه آن‌قدر فضای جامعه آلوده شده و فساد همه‌جا را فرا گرفته است که شرایط زندگی برای مردم سخت شده و حتی اخلاق‌مدارترین افراد هم نمی‌توانند آن‌گونه که باید اصول اخلاقی را رعایت کنند. امروز در این جامعه اگر رشوه ندهید، رشوه نگیرید،

حق حساب ندهید، حق حساب نگیرید، خلاف نکنید و از خلاف دیگران چشم‌پوشی نکنید، اگر بسیاری امور اخلاقی را زیر پا نگذارید و تن به ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی ندهید، نمی‌توانید به زندگی عادی ادامه دهید و بایستی با دیگران و به سبکی که در جامعه پیش می‌رود هماهنگ باشید و اگر این هماهنگی نباشد امکان ندارد در جامعه‌ای که به این اندازه غرق در بی‌اخلاقی است بتوانید اخلاق‌مدار زندگی کنید. مگر این‌که در گوشه خانه بنشینید و از آورده‌ای که خود در گذشته ذخیره کرده و یا یک نفر دیگر آورده است، استفاده کنید، بدون این‌که هیچ رفت و آمدی در جامعه داشته باشید. البته حتی در این مورد هم باز مجبورید برای خرید، تعمیر و... در جامعه حضور داشته باشید و بی‌اخلاقی کنید، چراغ قرمز را رد کنید، حق حساب بدهید، پول اضافه بدهید و همه این‌ها باعث می‌شود که کم‌کم معنای اخلاق در انسان بمیرد و باعث شود که شرایط اخلاق‌مداری را شاهد نباشیم.

از نظر من مؤثرترین موضوع در اخلاق‌مداری این است که حاکمیت و مدیران جامعه، خود الگو در ظرفیت ذهنی و عملی اخلاق نیکو باشند. کما این‌که می‌بینید جوامعی که از حاکمان و مدیران توانمند و سالم برخوردارند، اخلاق را به شدت رعایت می‌کنند و هر ضد اخلاقی محکوم می‌شود و در همان‌جا با شخص ناهنجار برخورد می‌کنند، این جوامع بسیار موفق هستند و همگان آن‌ها را جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته می‌نامند اما در اینجا به همان دلایلی که عرض کردم نه کسی برخورد می‌کند و نه کسی می‌تواند اخلاق‌مداری کند.

◀ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و به عبارتی عملکرد مسئولیت اجتماعی در کشورمان را در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

در همه کشورهای سیاسی که حاکمیت اخلاق را رعایت می‌کنند و روال اخلاق‌مداری در حاکمیت وجود دارد، کمتر شاهد ناهنجاری هستیم. در جوامعی مانند کشور ما متأسفانه اخلاق رخت بر بسته و امکان بسیار کمی برای اخلاق‌مداری وجود دارد. در مقایسه اوضاع این دو جامعه

رخت ببندند. امروزه جامعه ما یک جامعه بی‌اخلاق است که به‌سادگی هم به مسیر درست برنخواهد گشت.

◀ چه محدودیت‌ها و چالش‌هایی فراراه گسترش مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد؟

برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی سه اصل اساسی نیاز است که مهم‌ترین آن وجود بستر مناسب است؛ یعنی مسئولیت‌های اجتماعی و احساس مسئولیت در مردمان جامعه‌ای که برای توسعه، ترقی و پیشرفت در مسیر درست پیش می‌رود، خیلی زودتر رشد می‌کند و شکل می‌گیرد. دومین اصل موردنیاز، فعالان اقتصادی واقعی و اصل سوم، بخش خصوصی است، البته بخش خصوصی واقعی که بتواند روی پای خودش بایستد و خودش با ظرفیت، توان، ایده، خلاقیت، تلاش و پشتکار خودش موفق شود نه بخش خصوصی رانتی و دولتی، نه بخش خصوصی که از سرچشمه‌های رانت، فساد و منافذی که در دولت و حاکمیت ایجاد می‌شود بهره می‌برد و حتی نه بخش نیمه‌خصوصی و شبه خصوصی و بخش خصوصی مصنوعی! احساس مسئولیت اجتماعی هیچ‌وقت در این‌ها شکل نمی‌گیرد. پس اول بستر مناسب که به طور معمول توسط حاکمیت فراهم می‌شود و البته آن هم به خواست مردم است، یعنی مردم هستند که حاکمیت را سر کار می‌آورند. دوم، بخش خصوصی واقعی و صد درصد خالص و در نهایت اصل سوم، فعالان اقتصادی با احساس مسئولیت هستند که اگر دو اصل اول اتفاق بیفتد سومی کاملاً جای خودش را باز می‌کند.

ناگفته نماند که از نظر من فعالان اقتصادی تنها بنگاه‌داران و فعالانی که کسب‌وکار اقتصادی می‌کنند نیستند، بلکه همه کسانی

می‌بینیم که جوامع توسعه‌یافته پیشرفت کرده و ما هنوز اندر خم یک کوچه و یک مسیر بسیار پر چالش هستیم و شاید یکی از دلایل پیشرفت نکردن ما همین مسیر عبور ما از بی‌اخلاقی، فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی است، اما مردم همیشه آمادگی همراهی را دارند، همین مردم وقتی به کشور دیگری می‌روند، قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کنند، قوانین مالیاتی را رعایت می‌کنند، در برخی مواقع همین مردم از اخلاق‌مداران کشور دیگر می‌شوند، به دلیل این‌که آنجا فضا و بستر آماده است، ولی در اینجا چون فضا و بستر آماده نیست مردم هم‌رنگ می‌شوند و ناچار هستند این‌گونه باشند وگرنه از جامعه عقب می‌مانند.

بنابراین باید گفت که ما فاصله زیادی با کشورهای توسعه‌یافته داریم و البته این فاصله هم زمان می‌برد تا پر شود، زیرا در طول این ۴۰ سال بسیاری از ظرفیت‌ها از بین رفته است، از جمله منابع زیرزمینی، ثروت کشور و حتی عدم استفاده از تخصص‌ها و ظرفیت‌های بالای بعضی مدیران. البته شاید این‌ها قابل جبران باشد ولی متأسفانه برگشتن اخلاق و اخلاق‌مداری به این سادگی نیست و شاید چند نسل باید بگذرد.

مردم ما قبل از انقلاب، عمده مسئله اخلاق را در دین و اخلاقیات دینی می‌دیدند اما بعد از انقلاب هر دوی این‌ها دچار آسیب شد، هم اخلاق به دلیل آنچه که در حاکمیت اتفاق افتاد و مردم شاهد بودند و ناچار شدند از آن تبعیت کنند و هم دین مردم به دلیل آنچه که به نام دین اتفاق افتاد و باعث شد هر دوی این‌ها از جامعه

برای مسئولیت‌پذیری

اجتماعی سه اصل

اساسی نیاز است که

مهم‌ترین آن وجود

بستر مناسب است؛

یعنی مسئولیت‌های

اجتماعی و احساس

مسئولیت در مردمان

جامعه‌ای که برای

توسعه، ترقی و

پیشرفت در مسیر

درست پیش می‌رود،

خیلی زودتر رشد

می‌کند و شکل می‌گیرد.

دومین اصل موردنیاز،

فعالان اقتصادی واقعی

و اصل سوم، بخش

خصوصی است.

یک فضای نامناسب باشد، زمانی که به خانه برمی‌گردد دیگر آن بچه‌ای که در خانه بود نیست و مشخص است که برای همیشه هم نمی‌توانی فرزند را در خانه نگهداری کنی. پس این‌که فکر کنیم مثلاً من دارم کار می‌کنم و پولم در جیب خودم است یا دانش دارم و دانشم برای خودم است، بی‌معناست. این دانش یا پول، ظرفیت، تخصص، تعهد و... باید در جامعه جریان پیدا کند؛ بنابراین آنچه که به لحاظ مسئولیت اجتماعی متوجه فعالان اقتصادی است، یک موضوع دو طرفه است. حتی آنچه که در جوامع دیگر مثل اروپا، آمریکا، آفریقا، آسیا و همه جای دنیا اتفاق می‌افتد روی هم تأثیر می‌گذارد، یا آنچه در کرات اتفاق می‌افتد روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و در کشور و استان و شهر خودمان نیز همین‌طور. به طور مسلم اگر ما در برابر یکدیگر احساس مسئولیت نکنیم، برای بهتر شدن و پیشرفت جامعه تلاش نکنیم و در حل مشکلات و خلاها نكوشیم، ناخواسته همه ما صدمه خواهیم دید.

◀ کدام فعال اقتصادی به لحاظ مسئولیت اجتماعی مسئول و کدام غیرمسئول است؟

من معتقدم که در انجام مسئولیت اجتماعی همه مسئول‌اند. نه تنها بنگاه‌ها و فعالان بزرگ اقتصادی، بلکه همه مردم از کارگر ساده روزمزد گرفته تا کارخانه‌دار، مدیر، کارمند و کارگر همه به نوبه خودشان در برابر جامعه مسئول هستند. هرکس وظیفه خود را انجام ندهد بقیه هم تأثیر می‌پذیرند. ذکر این نکته هم ضروری است که مسئولیت اجتماعی صرف هزینه کردن پول نیست و همه می‌توانند بخشی از هر آنچه که دارند را به عنوان مسئولیت اجتماعی در نظر بگیرند؛ به طور مثال پزشک بخشی از تخصصش، دانشمند از علومش و همه افراد قسمتی از داشته‌شان را باید به عنوان مسئولیت اجتماعی در جامعه هزینه و ایثار کنند. در نظر بگیرید اگر کارگری جاده، خیابان یا پلی می‌سازد، باید احساس مسئولیت داشته باشد و آن کار را به‌خوبی انجام دهد. در این صورت آن سازه برای سال‌ها ماندگار خواهد بود و عده زیادی از آن استفاده خواهند کرد، اما اگر کوچک‌ترین قصور

که در جامعه زندگی می‌کنند به نوعی فعال اقتصادی به شمار می‌آیند؛ یعنی پزشک، مهندس، کارگر و یا هر فردی که به هر نوعی فعالیتی دارد و معاشی را تأمین می‌کند، فعال اقتصادی محسوب می‌شود. شما نمی‌توانید عنوان فعال اقتصادی را تنها به کارخانه‌دار، بنگاه‌دار، تاجر، تولیدکننده و صنعت‌گر اختصاص دهید، همه مردم به نوعی در فعالیتهای اقتصادی مشارکت دارند. پس این‌که می‌گوییم فعال اقتصادی بعد از دو اصل اول شکل می‌گیرد، منظور جامعه و مسئولیت‌پذیری در جامعه است. حال آیا این‌که در جامعه ما این روند رقم خورده و این جریان شکل گرفته نیاز به توضیح نیست؟ همه ما می‌دانیم که متأسفانه محدودیت‌های فراوانی در اصل اول وجود دارد، دومی هم نشأت گرفته از اولین اصل و مورد سوم هم از اصول اول و دوم متأثر شده است.

◀ به نظر شما مهم‌ترین عوامل دستیابی به مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها و سازمان‌ها چیست؟

بخشی از این پرسش را در چهار سؤال قبلی پاسخ دادم. از مهم‌ترین عوامل دستیابی به مسئولیت اجتماعی، درک صحیح از مسئولیت توسط هر فرد یا مجموعه‌ای است که در جامعه فعالیت می‌کند. درک این مطلب بسیار ساده است که وجود ما و زندگی طبیعی ما وابسته به دیگران است و ما در مقابل دیگران مسئولیت داریم، اما متأسفانه بعضی از افراد جامعه احساس می‌کنند هر آنچه که هست در خود و فقط برای خود خلاصه می‌شود، در حالی که این افراد متوجه نیستند که اگر به دیگران وابسته نباشند، از ظرفیتهای دیگران بهره نبرند و با دیگران در ارتباط نباشد، زندگی معنایی ندارد. این‌که شخصی احساس کند فقط برای خودش کار می‌کند و مسئولیت کار خودش را برعهده دارد، یک طرز تفکر غلط و بسیار پیش پا افتاده است؛ زیرا اگر همین شخص به طور مثال برای فرزندش همه امکانات مادی و معنوی را در خانه فراهم کرده باشد و فکر کند دیگر به چیزی نیاز ندارد و به مدینه فاضله دست یافته است، وقتی همین فرزند در خیابان، مدرسه، دانشگاه و... یک ناهنجاری اجتماعی یا بی‌اخلاقی ببیند و به طور کل بیرون از منزل

که ذخایر نسل‌های گذشته بود و دانسته یا نادانسته برای ما بجا گذاشته بودند و می‌توان گفت امانتی بود برای نسل‌های آینده، به یغما رفته و این در صورتی است که در قبال آن حتی رفاه واقعی درست نشده و خرج یک رفاه مصنوعی و یک زندگی غلط شده است؛ یعنی در ۶۰ سال گذشته، منابع زیرزمینی کشور که ثروت مسلم جامعه بود از بین رفت؛ به عنوان مثال محاسبه کنید که در زمینه نفت و گاز، چقدر فروش واقعی داشتیم، چه میزان ذخایر در زمانی که امکان استخراج نداشتیم از بین رفت و امروز در کشور چه چیزی را به عنوان جایگزین آن‌ها داریم. همین سطح و شرایط برای اکثر ظرفیت‌های کشور رقم خورد و درآمد آن، به هزینه‌های جاری جامعه و حقوق تبدیل شد و به جای آن در عمل یک دولت بزرگ و فربه و بی‌خاصیت درست کردیم که هیچ کس کار مثبتی انجام نمی‌دهد و بروکراسی را هم بیشتر و پیچیده‌تر کردیم، ضمن این‌که کسب‌وکار را هم برای بخش خصوصی سخت‌تر کردیم. یا در موضوع فرهنگ، آثار فرهنگی دوران گذشته را با ۵۰،۴۰ سال اخیر مقایسه کنید، چقدر توانستیم فرهنگ خوب و آثار خوب و ماندنی خلق کنیم؟ هر آنچه که وجود دارد مربوط به دوران گذشته است. ما امروز چه چیزی داریم که بتوانیم بگوییم در این ۵۰ سال اخیر برای نسل‌های بعدی به جا گذاشته‌ایم و در طرف مقابل باید بپرسیم چقدر از آثار گذشته را از بین برده‌ایم. حتی صفات اخلاقی نیک گذشتگان را نیز از بین برده‌ایم و اکنون آنچه که در جامعه وجود دارد به ناهنجاری‌های اجتماعی و آنچه که در اخلاقیات هست به زیر صفر نزول کرده

یا سهل‌انگاری داشته باشد ممکن است خطراتی برای جامعه به وجود بیاید و مثلاً پول جامعه به هدر رود. پس این مسئولیت در همه باید وجود داشته باشد و همه باید به نوبه خود به این مسئولیت بپردازند، البته «هرکس بامش بیش برفش بیشتر»، افرادی که ظرفیت بیشتر، شرایط و امکان بهتری دارند به طور مسلم باید بیشتر هزینه کنند، وقت و نیروی بیشتری بگذارند. شما می‌بینید در دنیا و فضای اقتصادی سالم، آدم‌های بزرگ ۹۰ درصد وقتشان را در مسئولیت اجتماعی می‌گذارند. گاهی ۹۰ درصد پول و زندگی‌شان را می‌گذارند؛ چون متوجه‌اند و درک دارند که این دارایی و تخصص از کجا پیدا شده و برای چه چیزی باید صرف شود و می‌فهمند اگر جامعه خوب شود آن‌ها هم روی شرایط جامعه جلو می‌روند و بهتر می‌شوند. جایی خواندم که بزرگ‌ترین ثروتمندان دنیا، خدمت به جامعه را بزرگ‌ترین خدمتی دانسته‌اند که می‌توانند در قبال فرزندان‌شان انجام دهند؛ زیرا معتقدند اگر بتوانند جامعه را به سمت بهتر شدن و پیشرفت هدایت کنند فرزندان‌شان نیز به همراه جامعه پیشرفت می‌کنند اما اگر فقط به فرزندان‌شان رسیدگی کنند و جامعه سالم نباشد، جامعه پیچیده و مسئله‌دار باشد، فرزندان هم نمی‌توانند زندگی موفق و خوشبختی داشته باشند.

◀ در موضوع مسئولیت بین نسلی جامعه، با درک مفهوم مسئولیت اجتماعی، نظرتان با نگاه مقایسه‌ای به جامعه ایرانی و جهانی چیست؟
در موضوع بین نسلی من معتقدم در حق هیچ نسلی به اندازه نسل گذشته، نسل ما و آینده جفا نشده است؛ زیرا تمام منابعی

در موضوع بین نسلی

من معتقدم در حق هیچ

نسلی به اندازه نسل

گذشته، نسل ما و آینده

جفا نشده است؛ زیرا

تمام منابعی که ذخایر

نسل‌های گذشته بود

و دانسته یا نادانسته

برای ما بجا گذاشته

بودند و می‌توان

گفت امانتی بود برای

نسل‌های آینده، به یغما

رفته و این در صورتی

است که در قبال آن

حتی رفاه واقعی درست

نشده و خرج یک رفاه

مصنوعی و یک زندگی

غلط شده است.

نیز به عنوان منتقد نظام آموزشی، هر آنچه که توانسته‌ام انجام داده‌ام. از آنجا که پایه توسعه از دبستان و نظام آموزشی شروع شود، اصلی‌ترین دغدغه‌ام مسائل آموزشی بود. در زمینه اشتغال‌زایی نیز در طول ۴۰ سال گذشته تمام ظرفیتی که داشتم را به کار گرفتم و هزاران شغل ایجاد کردم. با این وجود باید گفت امروز یکی از نیازهای اصلی جامعه اشتغال است و توصیه می‌کنم اگر کسی توانی دارد در زمینه کارآفرینی و اشتغال به عنوان مسئولیت اجتماعی انجام دهد.

اما این‌که چرا بخش درمان پررنگ‌تر است، برمی‌گردد به این موضوع که در سال ۸۳ گروه چند نفره‌ای برای بررسی نیازهای کرمان مأمور شد که نتیجه این بررسی‌ها نیازمندی در سه بخش سلامت، آموزش و فرهنگ بود و در بین این سه بخش، سلامت بسیار مهم‌تر عنوان شد. نیاز کرمان به بهداشت و درمان بیش از دو بخش دیگر بود و در آن مقطع هم کسی آن را دنبال نمی‌کرد. پس نیاز بود در این زمینه اقدامات اساسی‌تری صورت گیرد. واقعا سال ۸۳ و ۸۴ صحبت از پیوند در کرمان کار بزرگ و سنگینی بود، زیرا در آن زمان فقط در شیراز پیوند کبد انجام می‌شد و حتی در تهران هم این امکان وجود نداشت و می‌توانم بگویم شاید اگر در آن روزها این برنامه را آغاز نکرده بودیم تا همین با نگاه به ارتقاء سطح علمی دانشگاه‌ها، دانشجویان، علم پزشکی کرمان و با نگاه به این‌که ظرفیت استان نیاز اساسی به این جریان دارد، چون ما در استانی هستیم که هم خودمان و هم استان‌های هم‌جوار از

است. مثلاً در کسب‌وکار، اخلاق کسب‌وکار که به عنوان آموزه، نسل به نسل، گوش به گوش و دهن به دهن به ما رسیده بود، همه زیر پا گذاشته شده و امروز فقط منفعت شخصی باب شده که به هر طریق و با هر نوع اجحاف و حق‌خوری می‌خواهیم فقط پولدار شویم و ثروت‌اندوزی کنیم؛ بنابراین ما در این زمینه هیچ حرفی برای گفتن نداریم غیر از شرمندگی و واقعاً باید گفت جامعه این دوره، در زمینه امانت‌داری از داشته‌های نسل گذشته و انتقال آن به نسل آینده یک جامعه بد بود.

◀ به نظر می‌رسد شما در اقدامات نیکوکارانه خود بیشتر به مسئولیت اجتماعی در حوزه بهداشت، درمان و آموزش اندیشیده و عمل کرده‌اید، چرا؟

اول این‌که شاید این بخش از فعالیت‌ها پررنگ‌تر بوده که در ادامه دلیل آن را هم یادآور می‌شوم، اما این‌گونه نیست که فقط به بخش بهداشت و درمان پرداخته باشم. مثلاً در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای، اخلاقی، نوشتاری و... نیز کارهای زیادی انجام داده‌ام و فکر می‌کنم آنچه که در توانم بوده برای ارتقاء جامعه و ارتقاء فضای رشد جامعه در زمینه‌های مختلف فروگذار نبوده‌ام. در مورد آنچه که به عنوان آثار نوشتاری مطرح می‌شود، در طول این سال‌ها در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و در فضای خانوادگی آنچه که در توان و ظرفیتم بوده انجام داده‌ام. در زمینه ورزش، سال‌ها رئیس مجمع خیرین ورزشی‌ساز بودم و کارهای زیادی برای ارتقاء ورزش استان در بخش ورزش‌های جانبازان و معلولین و ورزش‌های همگانی انجام شد و در سایر بخش‌ها از جمله رشته‌های مدال‌آور هرجا نیازی بوده حضور داشتم. در زمینه آموزش

سال ۸۳ و ۸۴ صحبت

از پیوند در کرمان کار

بزرگ و سنگینی بود،

زیرا در آن زمان فقط در

شیراز پیوند کبد انجام

می‌شد و حتی در تهران

هم این امکان وجود

نداشت و می‌توانم

بگویم شاید اگر در آن

روزها این برنامه را آغاز

نکرده بودیم تا همین

امروز هم هنوز انجام

نشده بود.



ترتیب آرزو می‌کنم به سلامت از این گردهم‌عبور کنیم و فضای حاکمیت و فضای عملکرد مسئولان کشور به یک فضای واقعی و درست تبدیل شود، آن وقت است که می‌توانیم انتظار شرایط بهتری داشته باشیم.

بزرگ‌ترین نیازمندان بخش پیوند هستند و نیز با این نگاه که شاید دیگران به این زمینه ورود نکنند، وارد این کار بزرگ شدیم و مجموعه پیوند توانست در این ۱۶ - ۱۵ سال حرکت خوبی داشته باشد. اخیراً هم بیمارستان پیوند اعضا افتتاح شد و طی چند روز گذشته نیز تجهیزات یکی از اتاق‌های عمل که نیاز به هزینه سنگین داشت، تهیه شده و امیدواریم تا پایان سال کل امکانات بیمارستان پیوند اعضا در سه بخش کبد، کلیه و مغز استخوان تأمین شود. برای آینده این بخش هم باید بگوییم اگر عمر و زمانی باقی

باشد در نظر داریم ساخت بخش‌های پیوند قلب و ریه که پیش‌نیازهایشان برآورد شده است را انجام دهیم تا بزرگ‌ترین بیمارستان پیوند اعضای کشور را در کرمان داشته باشیم.

◀ سخن پایانی شما؟



به نظر من احساس انجام مسئولیت اجتماعی باید از بالا در جامعه دمیده شود. تا زمانی که در بالای جامعه احساس مسئولیت و وظیفه وجود نداشته باشد و فکر کنیم هر پست و مقامی که در اختیارمان است مربوط به ماست و به چشم امانت به آن نگاه نکنیم و فرمان این‌گونه نباشد که باید نسبت به این پست‌ها امانت‌دار باشیم و از خودمان برای آن‌ها مایه بگذاریم نه این‌که امیدوار نیستیم که مسئولیت‌های اجتماعی در جامعه ما شکل و روی بهتر و پررنگ‌تری بگیرد، اما به هر